



درس‌هایی برای متفکران جامعه در برخورد با جنبش دانشجویی و جوانان

دکتر مهندس لطیف اله بخشی با دکتر مسعود سجادی

اظهاره می‌کنند که جنبش دانشجویی و جوانان با آگاهی سیاسی و فرهنگی با همفکری و همبستگی در پی تحقق اهداف و مقاصد خود است. این جنبش در سال ۱۳۲۰ در تهران ظهور کرد و برای جنبش دانشجویی و جوانان در ۱۳۲۰ نشریه «دانشجوی» را منتشر کرد. این نشریه که به بررسی جنبه‌های مختلف جنبش دانشجویی و جوانان می‌پرداخت، از ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۱ در تهران منتشر شد. در سال ۱۳۲۱ در تهران، در روزهای ۱۳ تا ۱۵ اردیبهشت، اولین اجلاس ملی جنبش دانشجویی و جوانان در تهران برگزار شد. در این اجلاس، مباحثات و تصمیمات مهمی در مورد فعالیت‌های جنبش و مبارزه با استبداد و فساد در کشور ایران صورت گرفت. از جمله این کتابخانه‌ها می‌توان به کتابخانه‌های «دانشجوی» و «جوانان» اشاره کرد. این کتابخانه‌ها برای انجام مصاحبه‌ها و انتشار نشریه‌ها و برگزاری فرستاده‌ها که در زیر می‌آید:

۱. گفته می‌شود که آن روزها، دانشگاه در دست و پیران جنبه ملی بود، حال آنکه در آن شرایط جنبش دانشجویی و جوانان جنبش مستقلی بود و از مرفوع استقلال به جنبه ملی و فداکارانه با آن که در پیاه این اعتماد بدون اجازه جنبه ملی گزینی نمی‌کرد؛
۲. ملت مخالفت دکتر امینی با مذهبک جنبه ملی در ۳۰ فروردین ۱۳۲۰ چه بود؛
۳. در حالی که در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۰ (سفر تهران، جنبش، پخش و پخش) اجازه برپایی مذهبک را به جنبه ملی در میدان جلایی (پارک لاله) داده بود؛
۴. آن گونه که گفته می‌شود در آن روزها به ترویج مذهبک با جنبه ملی، جزو فعالیت‌ها بوده و تحت فشار امریکا انجام پذیرفته است؛
۵. در این باره به توافق ترسیدن و بی نتیجه ماندن جلسه ۲۸ شهریور ۱۳۲۰ بین جوانان جنبه ملی (دکتر حسین خلیلی، مهدی بازرگان، مهدی آذر، کریم سجادی و فلاحتیان) می‌تواند با جنبه ملی چه بود؛
۶. آیا اصولاً این امکان وجود داشت که دو طرف بتوانند به توافق دست یابند؟
۷. گفته می‌شود دلیل مخالفت جنبه ملی با دولت دکتر امینی، برنامه ریزم و اصلاحات روشی امینی بود؛
۸. استیکر که چندین از اعضای جنبه ملی حاملی جنبه ملی در زمین حاکمان بود؛
۹. این برنامه مشکلاتی برای آنها ایجاد کرده بود؛ اما چرا این مخالفت و ابطال رویارویی جنبه با امینی مخالفت امینی با برگزاری مذهبک در سالروز سیدالشهدا ۱۳۲۱ دانسته شد؛
۱۰. نظر شما چیست؟

۵. آیا مبارزه و مخالفت با دولت دکتر امینی گروه‌های مشکلات سیاسی کشور بود یا این که مشکل اساسی کشور از دیوار و حواصیل آن سرچشمه می‌گرفت؟
۶. مهندس بازرگان در گفت‌وگویی خود با سرهنگ فلاحتیان (۲۲) گفته است: «مخالفت جنبه آزادی با جنبه ملی و جنبه شاه بود. جنبه آزادی مشکل اصلی مملکت را شاه می‌دانست و معتقد بود که شاه حقوق ملت را پایمال می‌کند و لاجرم امور مملکت را به دست می‌گذارد و اقتصاد از دست وزیران می‌آید که خود را نوکر شاه می‌دانستند. این فایده می‌دانست. اما جنبه ملی مبارزه با شاه را بی نتیجه دانست و معتقد بود که چون شاه نسوی خارج می‌شود، جنبه ملی بی‌شکوه با آن مبارزه کرد. مهندس بازرگان معتقد بود که رویانده‌های سال‌های آخر دهه ۲۰ و ۵۰ بررسی نظر به جنبه آزادی و به ایستادن بر سر آن است.»

۷. در بحث اصلاحات جنبه ملی از تظاهرات ۱۳ اردیبهشت ۱۳۲۰ می‌گوید که آن روزها به پند چه بود؟
۸. با این که اصلاحات جنبه ملی با عنوان «کم‌فاسد» برای این تظاهرات منتشر شده بود؛
۹. در حالی که جناح وادیکال جنبه معتقد بود از اصلاحات شاه و امینی باید بهره برد و با حمایت از امینی، شاه را تقویت کرد؛
۱۰. جناح میانه روی جنبه (اکثریت شهرهای ملی) اهداف اصلی را مبارزه با دولت امینی می‌دانست؛
۱۱. باقی شما چرا جنبه ملی دچار این دو شکلی شد؟
۱۲. جنبه ملی در شکل‌گیری و اعلام اول بهمن ۱۳۲۰ مؤثر بود؛
۱۳. آیا صرفاً یکی حامل (کمیته مشترک) در پیار و پیوند و پیوند برای برکناری امینی) ظهور کرد؛
۱۴. بود آیا برخی از سران جنبه ملی هم در این سخنرانی‌ها با آگاهانه یا ناآگاهانه عمل کرده‌اند؟
۱۵. آیا صرفاً سرکوب بر روی ترویج و پیوستن و بی تدبیری امینی بود؛
۱۶. وقوع این حادثه نقش داشته است؟
۱۷. چرا با این که اصلاحات روشی جنبه طول حکومت امینی شکل گرفتند و زمین تا تقسیم شد و در این مدت جنبه ملی مخالفت اصلی امینی به دست می‌زد؛
۱۸. چرا این مخالفت روشی مخالفت نگرفت؛
۱۹. مخالفت جنبه ملی و امینی شکره‌ها را به خود بود؛
۲۰. آیا مذهبک بازرگان و پیوند امینی با از یک مرفوع امینی می‌تواند بود؛
۲۱. آیا اهداف اصلی جنبه ملی برکناری امینی بود یا این که صرفاً خواستار برکناری (انتخابات) آزاد و مسطری

بوده؟ ...
۱۳۱۰ نحوه ...
برای ...
چشمگیری ...
کمیسیون ...
دانشگاه ...
تأسیس ...
دکتر ...
همچون ...
۱۳۲۰ ...
کشف ...
در ...
۱۳۱۰ ...
دولت ...
من ...
با ...
از ...
مستند ...
اول ...

از ...
من ...
مقتضی ...
آیا ...
امین ...
وقوع ...
و ...
گرفت ...
۱۳۰۹ ...
اظهار ...
مرا ...
شده ...
و ...
نظام ...
نوع ...
از ...
با ...
اما ...
تقدیر ...
۱۳۰۸ ...
اول ...
چهار ...
همین ...
چهار ...
غیر ...
حقیقی ...
تیزان ...
مال ...
و ...
موانع ...
گرفت ...
ملت ...
الشیخ ...
بنا ...
قنای ...
و ...
تبر ...
تفکیک ...
شروع ...
و ...
حزب ...
تأسیس ...
پایان ...
با ...
موج ...
دولت ...
جرائم ...
تفحص ...
و ...
ارسط ...
چند ...
۱۳۰۹ ...
صدور ...

را ...
فر ...
کردند ...
نخستین ...
شورای ...
سال ...
اجرا ...
هیئت ...
در ...
پستری ...
باز ...
مبارز ...
انقلاب ...
چشمگیر ...
زمینه ...
دیگر ...
کسالت ...
انتخاب ...
دادند ...
گفت ...
گردید ...
مقتضی ...
پیر ...
این ...
فهر ...
شد ...
با ...
نهضت ...
نهضت ...
قرار ...
دکتر ...
پس ...
نهضت ...
از ...
ارتباط ...
دانشجویی ...
۱۳۲۹ ...
بود ...
مقطع ...
داشت ...
به ...
ملی ...
چشم ...
به ...
چشم ...
این ...
شمار ...
مطرح ...
ملی ...
این ...
شمار ...
مطرح ...
از ...
این ...

ویژگی ...
سپس ...
پیر ...
ابتدا ...
دارید ...
هم ...
از ...
از ...
تأسیس ...
مجلس ...
شمار ...
چشم ...
پیر ...
که ...
کتاب ...
که ...
مجلس ...
دکتر ...
نخستین ...
دانشجویی ...
۱۳۲۷ ...
آن ...
که ...
موضوع ...
پس ...
فرصت ...
و ...
شاه ...
تشکلات ...
سازماندهی ...
شمار ...
و ...
قرار ...
مخالفت ...
ملی ...
این ...
شمار ...
مطرح ...
از ...
این ...

سباززه که در صحن مجلس و همین طور در جامعه وجود داشت. نخستین تظاهرات خیابانی که به هواداری دکتر مصدق و ملی شدن صنعت نفت انجام گرفت از سوی دانشجویان دانشگاه بود و با چند تظاهرات اعتراضی دانشجویان حمایت خود را اعلام کردند باید بگویم که هیچ گونه رهبری از سوی نهضت ملی و سبازمندی در آنجا وجود نداشت و هیچ نوع فعالیت از سوی مقامات مربوط به رهبری نهضت نسبت به دانشگاه انجام نمی گرفت. این نهضت در دانشگاه نهضتی خودجوش و مستقل از رهبری نهضت ملی بود و ارتباطی با نهضت ملی نداشت. حتی زمانی که دکتر مصدق برای آزادی آنجا به همین گردها در آنجا جلسه ملی را تشکیل داد بسیاری از کسانی که از وی حمایت کردند دانشجویان دانشگاه بودند. تا سال ۱۳۳۵ حرکت از داخل دانشگاه به طرف

نهضت بود و نه از طرف نهضت به دانشگاه. خود دانشگاه بود که فعالیت می کرد و با عقاید و افکاری که مطابقت با افکار نهضت ملی بود سباززه می کرد. پس ویژگی جنبش دانشجویی در آن مقطع از حالت صرفی ارتقا پیدا کرده، سیاسی شده بود و به دنبال رهبری می گشت. به صورت حتمی و سیاسی بود و به دنبال رهبری می گشت و بعدها رهبری سیاسی خود را در دست مصدق و

نهضت ملی قرار داد. در سال ۱۳۳۵ که در آنجا با شعار از صبح خواهیم داد. زمانی که جنبه ملی تشکیل شد و فعالیتش را اعلام کرد و شروع به تشکیل جلسات در جریان سخنرانی و برپایی سخنرانی های عمومی کرده قسمت اعظم تشکیل دهندگان آن اجتماعات، دانشجویان بودند. مثال ۱۳۳۶ یک تفاوت خیلی مهم و اساسی با سال های قبل و بعد از خود داشت. ویژگی مهم این سال این بود که علاوه

بر مسائل تئوریکه حوادث مختلف صحت خطامشی دکتر مصدق و نهضت ملی را اثبات کرده بود و دستگاه کودتا به ورشکستگی کشیده شده بود. این عوامل موجب شد که دانشگاه یکبار چه این سوی این هدفها روی بیاید. حرکت دانشجویان بعد از ۱۳۳۶ نه در تاریخ ایران بلکه در تاریخ بسیاری از نهضت های دانشجویی کشورهای مختلف کم نظیر و بلکه بی نظیر بود چرا که دانشگاه به صورت یکبار چه این هدف را انتخاب کرد. تظاهرات و فعالیت های دانشجویان دانشگاه می کرد و جلساتی که تشکیل می دادند فعالیت های مستقل و مربوط به گروه های بیرون از این محیط صحنی نداشتند. دانشگاه به صورتی عمدتاً جنبه سیاسی داشت و این جنبه سیاسی به شکل فعالیت های اجتماعی بود که از نظر دانشجویان صحت آن به اثبات رسیده بود.

در چه روند و سوری بدون این که گذاری از مبارزه صحنی داشته باشد در سال های ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۸ دانشگاه یکبار چه سیاسی شد.



سازماندهی تهران شامل کمیته‌ها بود
در حالی اهمیت دانشگاه در هیئت
اجرائی جبهه ملی یک نفر مسئول
دانشگاه بود. پراچ سازمان‌های
دیگران طبق همان برنامه سازمانی
کمیته استان را مسئول این سازمان‌های
جبهه ملی تشکیل شد.
مجموع مختصری از آنجا که شان
ایشان بالاترینه من ابتدا ایشان را نام
می‌برم. مسئول سازمان پرورشکاران
مجموع کریم آقایی مسئول سازمان
انقلاب آقایی حسین شایه جیشی
مسئول سازمان مجاهدات و خانم پروانه
اسکندری (فره‌رو) نیز مسئول سازمان
زنان بود. من مسئولیت سازمان جوانان
را که شامل دانش آموزان نیز می‌شد
بعهدبه ششم چهارده سازمان تشکیل
شد. که کمیته استان تهران را تشکیل
داده و اجبهه ملی را در استان تهران
پایه تریزی کردند و مسئول آن آقایی
علی شرف‌خان متوجه می‌بود که در
زمان دکتر مصدق رئیس آنجا است و
مسئول وزارت دادگستری بود.
همین‌طور مسئول از قضات دیوان عالی
کنور بود که در آن زمان بازگشته
شده بود. در هر جبهه سازمان جوانان
که رئیس بالمشرف گسترده‌ای رویه‌رو
شده. در هر جبهه دو سال توانستیم
جمهوران را در آن حوزه‌های سازمانی
سازمان جوانان مشکل کنیم البته
من مسئول سازمان دانشجویان نبودم
بلکه مسئولیت سازمان جوانان را
برعهده داشتیم. من تعدادی از
دانشجویان را که مستعد تشخیص
دادیم دعوت کردیم تا برای سازماندهی
سازمان جوانان کمک کنند. آن‌ها نفر
از آنان تقاضا کردم که عضو اصلی
کمیته سازمان جوانان بشوند. آقایان
احمد سلیمان، هاشم صیفاقی و
سپهرس پیمانی را هم مسئول سازمان
بازار در کمیته استان آقایی قاسم
پاسچی بود که مسئول مالی کمیته
استان نیز بود. مسئول مالی جبهه ملی
آقایی بهمن خلیلی رئیس سابق
دانشکده فنی بود. زمانی که ما در

سازمان جوانان تهران بودیم به سازماندهی
کریه در جامعه جوانان متوجه شدیم
که یک سازمان پایه در تهران سازمان‌ها
مسئول فعالیت است. که از بقایای
جوانان وابسته به سازمان جوانان یا
مرتبط یا سازمان جوانان حزب توده
است. سازماندهی ما پس از مدتی با
آنها برخورد کرد. وجود این سازمان و
بر خوردن آن بحران‌هایی را نیز سیستم
تشکیلاتی جبهه ملی بوجود آورد. ما
متوجه شدیم که آنها در حوزه‌های
مختلف به نام جبهه ملی سازماندهی
می‌کنند. در صورتی که حوزه‌های
جبهه ملی علمی بود و ما کار مکتبی
نمی‌کردیم. اصل که ما پس از مدتی
۱۳۳۶م جبهه ملی قرار داده بودیم
مبنی بر این بود که فعالیت مکتبی
نداشته باشیم و فعالیتان علمی و
قانونی باشد. اینها در وجه اول خود
را جبهه ملی و طرفدار دکتر مصدق
می‌دانستند. دیگر این که از دیگر
رهبران جبهه ملی به جز دکتر مصدق
به شدت انتقاد و همواره از فعالیت
می‌کردند و به خصوص روی اسم چند
نفر در شورای مرکزی آنکسیت
می‌گذاشتند تا دانش آموزان را که
اغلب از مسائل سیاسی و حقوق
تاریخی مطلع نبودند جذب بخواه بکنند
و بعدا هر ما متوجه شدیم که به
آنهایی که می‌توانستیم جذب خود
کنند عملیات فکری خوب تلقین
می‌کردند. ما در تهران جوانان دارالفنون
که مرکز آن فعالیت‌ها بود متوجه این
مسئله شدیم.
مبطل منظور جبهه ملی کمیته
استان تهران که شامل دانشجویان
دارالفنون و مرکز دانشجویان ساکنان
آگاه گردیدیم که اینها عضو جبهه ملی
نمی‌توانند و زمانی که آنها می‌فهمند
که این گروه با عضو جبهه ملی
نیستند آن حوزه‌ها و فعالیت‌ها
می‌شد در مقابل سازمان دانش‌های
شدیدی نشان دادند و برای این که
تشکیلات جبهه ملی را حفظ کنند
از آنجا که من تنها عضو کمیته استان

تهران بودم و من هم یکی از حزب
سوسیالیست بودم. گفتند که ما
از جوانان و از دانش‌آموزان
مستعد برای این که اینها
پس از مدتی از جبهه ملی
هم اسم جبهه ملی بوجود بیاورد
نمی‌توانستند مبارزه کنند تا این
تشکیلات از بین برود و برای فعالیت
علیه تشکیلات را نتوانستند از چهارده
مسئول استان تنها مجموع مختصری و
من پیشینه فعالیت سیاسی ما مجموع
دکتر خجندی داشتیم و یقینا مسئولان
سازمان را از افراد شناخته شده مستقل
و یا اعضای احزاب دیگر جبهه ملی
بودند. به علاوه پس از مدتی نظر
بعضی از احزاب که نام آنها را در اینجا
ذکر نمی‌کنیم در جبهه ملی در حالی که
ابتدا موافق با تشکیلات جبهه ملی
بودند تغییر کرد و گفتند که جبهه ملی
نیاید تشکیلات داشته باشید. آن احزاب
هر این مسئله را طبع می‌زدند. در
جاده اول بهمن اینها دائما از
دکتر خجندی و طرفدینته دکتر خجندی
اسم می‌بردند در حالی که تنها
کسی که روحی اصلا از این واقع
ناخر نبود دکتر خجندی بود. روش
احزاب کمونیست در گذشته این گونه
بود که روی یک موضوع آن‌ها فشار
می‌آوردند و تبلیغات می‌کردند تا مورد
تأیید مردم و مورد قرار گیرد. اینها بعدها
هم شناخته شدند و ما توانستیم آنها
را از حوزه‌ها کنار بزنیم. ابتدا تلاش
زیادی کردیم تا آنها را با فعالیت‌های
جبهه ملی همراه کنیم و خیلی‌ها ایشان
هم جبهه سازمان جوانان و دانشگاه
شدیم. ما موفقیت زیادی در جذب
دانش آموزان به دست آوردیم. سیاست
جبهه ملی این بود که در محیط
دبیرستان‌ها و مدارس فعالیت سیاسی
نشود چرا که به مقتصد بودیم
دانش آموزان در محیط دبیرستان‌ها
باید به طرف درسی خواندن و انضباط
در مدرسه بروند. فعالیت ما در
دبیرستان‌ها این گونه بود که نمایان
فعالیت می‌کردیم و در خارج از مدرسه

نیز حوزه تشکیل می‌دادیم. در
دبیرستان‌ها تظاهرات نداشتیم.
برخلاف دانشگاه تهران که
دانشجویان به صورت مستقل از
جبهه ملی و تصمیمات سازمانی دائما
در محوطه دانشگاه فعالیت و نظارت
می‌کردند. دانش آموزان جبهه ملی در
محوطه دبیرستان‌ها چنین فعالیت‌هایی
نداشتند بلکه تشریح توزیع می‌کردند و
افراد را برای تشکیل خود را جذب
می‌کردند. حوزه‌ها نیز خارج از محوطه
مدارس تشکیل می‌شد.
بیمه آنها به واقع دانشگاهیان به
صورت مستقل از جبهه ملی فعالیت
می‌کردند.
بیشتر دانشجویان در مدارس
عقاید جبهه ملی نمی‌توانستند. هر
فرستی به تظاهرات سیاسی می‌کردند
بدون این که رهبری جبهه ملی این
فعالیت‌ها را قبول داشته و یا اطلاع
باشد البته در فعالیت‌های سطح
سیاسی و مسائل اصلی و اساسی



بعد از ۱۶ آذر ۱۳۳۲ اختناق
سیاسی در جامعه و
از جمله در دانشگاه حکم
بود و در دانشگاه
فعالیت‌ها به صورت
کلیتاً ممنوع شد. تنها
جبهه ملی این که
از آنجا که دانشگاه یا دیگر
مکان‌ها اجازه داشتند وارد
سیاسی می‌شد و موجودیت
اعلام کرد. جنبش
پس از فعالیت‌های
فعالیت‌های
فعالیت‌های
فعالیت‌های



جنبه‌های تصمیم‌گیری گرفته ولی خود دانشجویان نیز ابتکار عمل داشتند. به عنوان مثال وقتی حادثه‌ای رخ می‌داد، دانشجویان جمع می‌شدند و شمار می‌دادند، ظواهرات من از روند و فر داخل محوطه دانشگاه دور می‌زدند.

در آن زمان دانش‌آموزان در کلاس درس به واسطه این گروه‌ها نیز به واقع خود را می‌دیدند. این گروه‌ها حادثه خود را می‌دیدند و این گروه نبود که جنبه‌های دانشجویان دیگر کند که چه می‌کنند. دانشجویان در چارچوب رفتارهای جنبه‌های و انتظارات جنبه‌های خود چنین فعالیت‌ها و تصمیم‌گیری‌هایی می‌کردند. باز هم رفتار نشان می‌کنند که در دبیرستان‌ها همین گروه بود که در دبیرستان‌ها انتظارات جنبه‌های حاکم بود؛ گاهی عدالتی از آنها نیز که شال بودند، برای شرکت در مبارزات به دانشگاه تهران می‌رفتند و در خود مدرسه اجتماع نمی‌کردند. این نهاد جنبه‌های بود.

بهر حال به واقع اول بهمن ۱۳۲۰ و این که نقطه شروع این واقعه از کجا بود و چگونه شکل گرفت؟
● از اواخر آبان ماه ۱۳۲۰ که ما اطلاع داده شد که عهد آبان از دانش‌آموزان را از دبیرستان‌هایی مختلف اخراج می‌کنند، ما پس از تحقیق و بررسی متوجه شدیم که تمام این دانش‌آموزان از فعالیت و مسئولان جنبه‌های هستند. ما ارتباطاتی با فرهنگیان داشتیم و گرمای آن چهارده ستارگان ستارگان فرهنگیان بسیار قدرتمند بود. ما کارهایی کردیم تا این دانش‌آموزان به سر کلاس‌هایشان بازگردند و این سخن از مدتی به ما اطلاع داده که دستور اخراج آنها از مراکز بالایی فرهنگیان ابلاغ می‌شود و ناظم و مدیر مدرسه اختیار تصمیم‌گیری در مورد این مسائل را ندارند. کار فاصله‌های آبان و آذر، دو عامل مهم در روند

جنبه‌های را جهت فشار قرار داد، نخست اطلاعات دانشجویان بود که می‌گفتند جنبه‌های باید در برابر برنامعهایی دولت و تفکراتی که از نظر آنهاست ایجاد نمی‌کند، و گفتند نشان دهند از حال که جنبه‌های همیشه به صورت احساسات تشریح و جنبه‌های تصمیم‌گیری و گفتن می‌داد، ولی جدا از این اعضای جنبه‌های به خصوص دانشجویان امیران داشتند که جنبه‌های با ظواهرات عمومی علیه دولت و حکومت موافقت کرده و خواسته‌های را مطرح می‌کردند. گروه‌هایی که در دانشگاه و سازمان جوانان حوزه‌های گروه بودند و جزو گروه‌های وابسته به حزب بودند، این موضوع را مشخص قرار داد و مطرح می‌کردند که جنبه‌های هیچ نوع فعالیت‌ها در فعالیت‌های جنبه‌های و سخن علیه و هر جنبه‌های همراه می‌گرفتند. آنها می‌گفتند که سران جنبه‌های سازمان بوده و از قاطعیت برادران نیستند و نمی‌خواهند از موافقت استفاده بکنند. همچنین اشاره می‌کردند که سران جنبه‌های حاضر نیستند هیچ نوع فعالیتی در جهت تعیین خواسته‌های دانشجویان و دیگر رفتار انجام دهند و هر یک از این فعالیت‌ها جنبه‌های علیه رهبری جنبه‌های برپا کردند. جنبه‌های نیز که در ملاقات با اعضای برای انجام فعالیت‌ها می‌شد، بود تصمیم گرفتند که در روز ۱۴ آذر ۱۳۲۰ ظواهرات بسیار بزرگی نزدیک مسجد شاه (امام خمینی) رویاروی خیابان فاجعه‌خیز برپا کنند. این ظواهرات را هیئت اجرایی تعیین کرد و در شهر با هر سطح زندگی به ترتیب رسیدن از این کار این ظواهرات جز داخل شهر بود و می‌توانست اجازه گرفته می‌شد قیام شد که با اطلاع و موافقت رهبری دانش‌آموزان با این اقدام می‌توانست. این سخن‌ها می‌توانست و به من گفتند که این کار باید به شکل کلی در همه جنبه‌های این تقاضاها

مشاوره‌های دانش‌آموزان با این سخن تهران برسد و ما می‌توانیم این کار را به تکلیف ما نیز به نظر می‌رسد. جنبه‌های تهران در خیابان انقلاب تهران و در خیابان چهارراه کالج بود و سرور و حضور رهبری پس از این سخن بود. من در آنجا گفتم که از طرف دانش‌آموزان، اقدام و اجازه داده که به داخل بروم. من خدمت زدم که حتماً مذاکرات کلی صورت گرفته و قطعه‌ای اعلام تا تنها موافقتی بگیریم و آنها نیز نتوانستند بگذارند. در هر حال من تقاضای جنبه‌های را به دست خود می‌بردم. من می‌توانم تقاضای خود را خواند و به من گفت که «حق‌دقیقه بنشینید اما بعد فکر کرد و گفت: نه، شما تشریف ببرید، ما خودمان جواب می‌دهیم.» من هم این گزارش را به دانش‌آموزان دادم. پس از پنج روز پس از این سخن تهران می‌کنند و آقای دکتر جنبه‌های می‌گوید که این موضوع از جهت مطرح شده و ما با این ظواهرات موافقت نمی‌کنیم. در صورتی که شما به برگزاری این ظواهرات اقدام کنید ما با قوه قهریه و با شدت آن را سرکوب می‌کنیم. آقای دکتر جنبه‌های نیز به هیئت اجرایی گزارش می‌دهند. در هیئت اجرایی آقای الهیار صالح و اعضای دیگر این هیئت که چون ماه همه گفته‌ایم و گفتن این کردیم که اجازه داده می‌شود. در نتیجه این هیئت است. آن را شورای جنبه‌های با هیئت اجرایی بگیرد و شورا باید تصمیم‌گیری کند که ظواهرات را برگزار کند یا خیر و وقت می‌رسد. جلسه شورای مرکزی هر طرفی آقای الهیار صالح تشکیل شد و چهار ساعت در این مورد گفت‌وگو کردند. هر یک باید به خواسته‌های دانشجویان، جوانان، بازاری‌ها و قشرهای مختلف جنبه‌های پاسخ می‌دادند.

در این زمان هنوز دانش‌آموزان مطرح نبودند.
● ما قصد داشتیم که موضوع اخراج دانش‌آموزان را در برنامه ظواهرات بکنیم. اواخر آبان اخراج‌ها آغاز شده بود ولی هنوز به آن

گفتند که این بود از سوی دیگر هم
 بیفکده بودند که اگر ما این نظرات را
 بر گزار کنیم، حکومت را قوم قهریه
 همه را سرکوب کرد و با خطرات
 جبران ناپذیری روبه روبرو می کند. در آخر
 تسلیم می شود که برای منغلی
 گفته شود که اکثریت آرا این داد که
 این نظرات را برگزیده است. چرا که
 بهمان آیین و بهمان روشی که در این
 برگزاری نظرات بود از برای روزی
 که جبهه ملی اعلام کرد، به این
 نظرات را انجام نمی دهیم. همان
 عملی در دانشگاه و جاهای دیگر علیه
 شورای مرکزی به ویژه میان گروه چپ
 که در جبهه ملی سازماندهی داشتند
 به ما شد. همه زیاده از دانشگاهیان و
 افراد جبهه ملی نیز که دچار احساسات
 شده بودند متجدد بودند که اگر هم
 سرکوبمان کنند مشکلی نیست. چرا که
 ما اگر اکنون به میلان نیایم دیگر
 نمی توانیم این کار را بکنیم. مادر کمیته
 سزای جوانان جبهه ملی مأمور شدیم
 که با آقای دکتر کریم سجایی صحبت
 کنیم و موضوع کنیم که جای که
 نوشته شده چهارده آذر را برگزیده
 دستگیری دانش آموزان و اعتراضی
 صحنی در مورد این اخراج ها که روز
 به روز در تعمیرات های مختلف
 صورت می گیرد داشته باشند. چرا که
 اگر هیچ کاری برای دانش آموزان
 نکنیم، تمام حوزه های سازمان جوانان
 منحل می شود و در نتیجه آن
 گروه ها هم که زیر منظمی کار
 می کردند علیه جبهه ملی مطرح کرده
 و برای انحلال و جذب آنها در
 سازماندهی خود تلاش می کردند.
 پس از گفتگوی ما با دکتر سجایی
 ایشان گفتند که این شرط که شما
 جنبه سیاسی به اعتراضات بدهید و
 تنها جنبه صنفی داشته باشد. ما این
 موضوع را در کمیته سازمان جوانان
 مطرح کردیم و به کمیته ایشان هم
 گفتیم. مسئولان را به امور اعلامیه و
 چاپ نقلی لباسچی بود که هم مسئول
 اخراج و نیز با هم مسئول امور ملی بود

و با چهارده آذر هم ارتباط داشت.
 طبق معمولی که با ایشان داشتیم.
 قرار گذاشتیم که اولیای دی ماه این
 نظرات را برگزیده کنیم. مادر کمیته
 و سازمان جوانان بر نامشروع کردند
 و تصمیم گرفتیم آن روز دانش آموزان
 را از جلوی عمارت مدرسه جمع کنیم و
 صبحی را مشخص کنیم. البته به
 کتبی گفته نشود و فقط مسئولان
 بدانند. قرار شد جموعت را به طرف
 دارالفنون حرکت بدهند تا از تمام
 خیابان ها دانش آموزان به خاطر
 اعتراض به اخراج دانش آموزان به
 طرف دارالفنون بروند. پس از این که
 به دارالفنون رسیدند متفرقی شدند و
 در داخل مدارس و دارالفنون نظرات
 نکنیم. شمارها هم همین شد بود و
 بیشتر جهت موضوع اخراج
 دانش آموزان بود. آقای لباسچی در اثر
 فیلر بیاراک به چاپخانه ها و کتلی
 شدید موفق شد تراکت ها را برای
 روز اول دی برساند. ایشان سه بار
 زمان را تغییر داد و گفت که روز
 دیگری را معین کنید. در نهایت ایشان
 برای روز اول بهمن تراکت ها را آماده
 کرد. مادر آن روزها در سازمان جوانان
 کار می کردیم. آقای لباسچی به گفته
 بر روی جبهه ملی گزاره اول بهمن
 گفته بود که روز نظرات را ایشان
 معین کرده است. در حالی که چاپخانه
 معین کرده بود. ما هم در حقیقت
 بر اساس روزی که چاپخانه توانست به
 آقای لباسچی قول تحویل تراکت ها
 را بدهد روز اول بهمن را انتخاب
 کردیم. من فقط به آقای لباسچی
 گفته بودم هر روزی که شما
 می خواهید بگذارید برای ما فرضی
 نمی کند. فقط روز قبل از آن تعطیل
 نباشد. ما انتخاب روز را در اختیار آقای
 لباسچی گذاشته بودیم و او هم در
 اختیار چاپخانه گذاشته بود. با این
 شرط که باید پنج روز فاصله باشد و
 روز قبل از آن هم تعطیل نباشد تا ما
 بتوانیم در مدارس فعالیت داشته
 باشیم. ما کتیم کاری که از ما ساخته

انصاف بر این نظر است که این
 جنبه صنفی صحنی هم از نظرات
 دانشگاهی نبود. این زمانی که این
 تراکت ها بر جان من منتشر شد
 هوای فرخنده ای ایجاد شد. همان
 نظرات را زیر نظر گروهی از
 دانشجویان دانشگاه سازماندهی کرده
 بودیم و قرار شده بود که چند نفر
 دانشجو از هر مدرسه ای بر حرکت
 دانش آموزان را از طرف مدارس به
 سمت دارالفنون رهبری کنند. شب
 قبل از اول بهمن کمیته دانشگاه در
 منزل دکتر سجایی جمع شدند و در
 آن جلسه مطرح شد حالا که
 دانش آموزان دارفک برای خودشان
 نظرات می کنند ما هم در محوطه
 دانشگاه با آنها همفکری کنیم و از
 جنبه صنفی نیز آن را انجام دهند.
 در آن جلسه موافقت دکتر سجایی را
 می کردند. ایشان هم گفته جوان عضو
 جبهه ملی در دانشکده حقوق را زیر
 نظر آقای ابوالحسن بی صدر مسئول
 انضامات می کشد و تمام اعضای کمیته
 دانشگاه نیز موافقت می کنند. شب
 پیش از اول بهمن این مسئله صوب
 می شود. ما نیز به دلیل سازماندهی
 سازمان جوانان روزی از آنجا که یک
 برنامه سیاسی خاص نبود و بیشتر در
 چارچوب صنفی و اخراج دانش آموزان
 بود و جهت بخشی کردن تبلیغی بود
 که انجام می شد تا سازمان ما را از هم
 پاشند. فعالیت می کردیم و اصلاً به
 دانشگاه کاری نداشتیم. خوب
 دانشگاه هم این بود که چون همه در
 یک محوطه بودند، تراکت لازم
 نداشتند. اما گویا تراکت نیز منتشر
 کردند و با بعضی ها تراکت سازمان
 جوانان را داخل دانشگاه پخش کردند.
 پس از آن تراکتی نیز در آن روز در
 دانشگاه پخش شد.
 به قول شما تراکتی هم نبود.
 شبی قبل موافقت دکتر سجایی را
 گرفتیم تا دانشگاه نیز با دانش آموزان
 همفکری بکند. روز اول بهمن برنامه
 سازمان جوانان با موفقیت کامل انجام



**تظاهرات و
 اعتراضاتی که
 دانشجویان
 دانشگاه می کردند
 و جلساتی که
 تشکیل می دادند،
 همگی مستقیماً
 مربوط به
 خودشان بود. از
 این جهت جنبه
 صنفی داشت که
 دانشجو بودند،
 ولی عمدتاً جنبه
 سیاسی داشت و
 این جنبه سیاسی
 به دلیل هدف های
 نهضت ملی بود که
 از نظر
 دانشجویان
 صحت آن به اثبات
 رسیده بود**



در حادثه اول بهمن اینها
دائماً از دکتر خنجری و
داروسته دکتر خنجری
اسم می بردند در حالی که
تنها کسی که رویش اصلاً
از این وقایع باخبر نبود
دکتر خنجری بود. روشن
احزاب کمونیست
در گذشته این گونه بود که
روی یک موضوع آن قدر
فشار می آوردند و
شلیکات می کردند
مورد پذیرش و یا در قرآن
گیرد. اینها بعدها هم
تقاضای شریف و ما
توانستیم آنها را از
حوزه ها کنار بزنیم. ابتدا
تلاش زیادی کردیم تا آنها
را با فعالیت های
جنبه ملی همراه کنیم و
خیلی هایشان هم جذب
سازمان جوانان و
دانشگاه شدند

شده روی تراکت ها نوشته شده بود که
 دانش آموزان جلوی عرج فرسه ای جمع
 میشوند و به اخراج دانش آموزان توسط
 اولیای مدارس اعتراض کنند مسئولان
 هر دبیرستان را هم همین کرده بودند
 برنامه آموزشی تنظیم شده بود که همه
 دانش آموزان در یک ساعت معین
 برسند. وقتی جمعیت به جلوی مدرسه
 دارالفنون می رسید یک سیرنگ فلزی
 قوی، خوبه و با احتیاط به برگواز
 می شود. البته شمارهایی هم بودند
 جنبه ملی و اولیای هم دادند و
 ولی بیشتر در مورد خود دانش آموزان
 بوده است. بعداً به علت حوادثی که
 در دانشگاه رخ داد موفقیت بزرگ
 سازمان جوانان و دانش آموزان در اجرای
 برنامه تنظیم شده محسوس نشد. آن
 وقت حوادث اول بهمن پیش می آمد
 من در تظاهرات نقش نداشتم ما
 صبح به یادگار رفته بودیم و کتله ای
 را ایجاد می دادیم و خبر می دادیم
 که در دانشگاه چه گذشته است. چون
 نه مسئولیت در دانشگاه داشتیم و نه
 دانشگاه برنامه مخصوصی داشت.
 چچم آنها کسی را بعد از این
 دستگیر کردند تا ۲۴ سوارک متوجه
 حرکت در دانشگاه نماند بود.
 بپوشید سه روز بعد از آن حرکت
 وقتی من می خواندم از عظیم بیرون
 بیایم یک مأمور آنجا آمده بود و مرا
 نوه سرایه مولوی برد.
 این مسئله چه روزی بود
 فردای روزی بود که ما تراکت
 دانش آموزان را منتشر کردیم. مرا
 مستقیم به اتاق مولوی بردند. مولوی
 شروع به تهدید من کرد و گفت که جاس
 را به شما نشان می دهم که چه وقت
 فراموش نکنید. مملکت در حال بحران
 است و این کار شما موجب می شود که
 کردستان و آذربایجان از بین بروند و
 بیچاره بشوند. وقتی من شروع به
 پاسخگویی به او کردم او با فریادهای
 فاشیست و زشت ترا از اتاق خود بیرون
 کرد.

کسی را دستگیر نگرفتند. از
 دانشگاه کسی را گرفته بودند و نه از
 سازمان جوانان. ما همیشه با
 دانشجویان در تماس بودیم و ارتباط
 داشتیم و حساب نکرده بودیم که اینها
 هم با آن ترتیب روزه برنامه می شوند.
 برنامه آموزشی فقط تظاهرات و مطالب
 دانشگاه بود. البته کاری نداریم که
 هر که تظاهرات را می شناسد شعارهایی
 سیاسی هم بلد می شد و تظاهرات را
 تحت الشباعت قرار می داد. به هر حال
 شورای مرکزی و هیئت اجرایی خبر
 نداشتند.
 چچم اگر کسی شبی به شورای
 مرکزی اطلاع داده بود؟
 برای این که تظاهرات در داخل
 دانشگاه بزرگ و اغلب توسط دانشجویان
 برگزار می شد. دکتر سنجابی همواره
 این اختراعات را داشته چرا که هم
 رئیس هیئت اجرایی بود هم مسئول
 دانشگاه تهران و هم مسئول تشکیلات
 بود.
 می صدر که در روز اول بهمن
 مسئول انتظامات بود، در برابر
 سنگ و آلی ما و بر تاب آجر به آژیوس
 چه می کرد؟
 او هم توانست کارش بکند. او
 هر چه در توان داشت انجام داد اما در
 آن وضعیت کاری از دستش
 برنی آمد.
 اما ری آنجان مخالفی هم با
 ما بود و هر چه آمده نمی کرد.
 در هیئت اجرایی کسی نمی توانست
 در مقابل آن هجوم و موج احساسات
 دانشجویان مقاومت کند. خضت
 بی صدر این بود که با افکار عمومی و
 افکار دانشجویان مقابله نمی کرد.
 در واقع نمی شد این تظاهرات را به
 گزاف بی صدر گذاشت. به خصوص
 که خودش نیز از نظر عقیدتی طرفدار
 تظاهرات علیه دولت بود. دکتر امینی
 ما را مقصود شناخت و گفت که چیزی
 در دانشگاه چنین دستوری داده است.
 این مسئله هم بر اساس گزارشی

ملاک شکل گرفته بود. از این رو من
 دکتر خنجری و دکتر خنجری را اعتراض
 کردند در حالی که من دکتر بختیار از این
 موضوع اطلاعی داشتم و نه
 دکتر خنجری. تنها کسی که در
 هیئت اجرایی از این موضوع اطلاع
 داشت دکتر سنجابی بود که معتقد بود
 در این زمینه اختیارات دارد.
 چچم آنها مرحوم دکتر سنجابی از
 خاطرات خود به این مسئله اشاره آن
 کرده اند؟
 دکتر سنجابی در مورد اول بهمن
 بسیار عصبانی بود. چرا که می دانست
 این جریان در خودش متمرکز است.
 وی معتقد بود که درست است در اول
 بهمن بسیاری از مسائل حل شده و
 هدایای سبیر را تغییر دادند ولی این
 واقعه در واقع یک حرکت دانشجویی
 زیبا و یک حرکت عالی دانش آموزی
 بوده است.
 چچم کمیته دانشگاهی از موضوع
 برگزاری تظاهرات اصلاً اطلاعی
 نداشت.
 به هر حال این تصمیم از سوی
 کمیته اصلی دانشگاه گرفته شده بود.
 در اول بهمن بعضی تظاهرات
 دانش آموزی با موفقیت انجام شد. ما
 حتی یک نفر تظاهرات هم نداشتیم و
 پلیس توانست در جریان قرار بگیرد.
 ولی دانشگاه این گونه نبود یعنی اگر
 چهار نفر بی برنامه زان بهشت بعضی
 می گویند اینها با برنامه آمده اند.
 آنچه در اول بهمن اهمیت داشت
 این بود که مسئولان و چهره های
 شناخته شده ملی در دانشگاه
 دانشجویان را به تظاهرات دعوت
 کردند. دانشجویان هر چه همین خاطر
 آمدند یعنی زمینه فراهم بود و اعتماد
 نیز به طور جدی وجود داشت.
 پس از اول بهمن این اعتماد
 به طور کلی به رهبری جنبه ملی، ترک
 خورد. اصلاً به دانشجویان نگفتند و آنها
 به این مسئله به طور کاملی خبردار شدند
 و پس از آن هم دانشگاه تعطیل شد. در
 جلسه ای که دانشجویان در دانشگاه رفت

گذاشتند، مرحوم عباس برای پانصدگونی دعوت شد. در آن جلسه سوالهای زیادی از ایشان پرسیده شد. به ویژه در مورد این که جبهه ملی با دکتر عبده، نجم الملک و تقی زاده گفتگو کرده‌اند یا نه. حاکم امنیت و مرحوم لرانی گفت که من دیگر نمی توانم در این باره توضیح بدهم، اما تکذیب هم نکرد. پس از همد سال ۱۳۲۱ کم کم جو بن اعتمادی میان انقلابیان و جبهه ملی شکل گرفت و سرگرم رنگ شدن جبهه ملی در اذهان آغاز شد. نطفه سازمان میهن من در نیمه دوم سال ۱۳۲۱ در بی تابری از سوی ۹ نفر خطاب به سران لیست آزادی گذاشته شد. روز اول همین پاره های جبهه ملی بودند که دانشگاه را متعلق کردند تا آنها را می گفتند. در آن زمان حمید حسینی نیز در این کنگره شرکت کرد و با زبان جزئی در زندان بودند. پس از ملای اظهارات ۱۲ نفر از کمی بخش شد که در آن خبر از عدم برگزاری این اظهارات درج شده بود. در جریان بخش این تراکتها سعید حسینی و جزئی دستگیر شدند و مدتی در زندان بودند. در اول بهمن هم آنها حضور نداشتند.

● **سازمان اطلاع دارم**

● **چهار نفر از شما را به زندان بردند**

● **بله البته چند صد نفر از دانشجویان نیز در جای دیگری بازداشت بودند و مانیز در جای دیگری بازداشت بودیم که در حدود ۲۰ نفر می شدیم. عید که شد همه را آزاد کردند. دانشجویمان را نیز به ترتیب آزاد کردند اما ما چهار نفر (منه دکتر سنجایی، دکتر خنجری و دکتر مختاری) را نگذاشتند. ما چهار نفر تا شهریور در یک اتاق بودیم. بعد از رفتن حسین و روی کار آمدن علم ما را آزاد کردند. در زندان آقای مطولی از من بازجویی می کرد. همه جزئیاتی را که اینجا برای شما می گویم در اینجا هم به آنها گفتیم. در زندان موقت سرتیپ و آقای اشرف احمدی همراه سبفر از بازجویان دادگستری از همه بازجویی کردند. همه آنها به جز یک حرف من به عقیده گفتند و باید نگرفتند و آن هم این بود که آنها می گفتند که تو می گویی از حرکت دانشجویمی اول**

بهمن غیر تکلیفی و انکار می گفتی در حالی که این واقعیت نامزد بود اطلاع داشته ای

● **بله منی شما مطلع بودیم ولی سازماندهی نگردید**

● **نه من مطلع هم نبودم آنها نسبت پیش از اول بهمن به منزل دکتر سنجایی رفتند من که عضو آن جلسه نبودم. من گرفتار کارهای سازمان جوانان بودم. من گفتم که فقط در محدوده سازمان جوانان قبول مسئولیت می کنم و این مسئله را به تصویب دکتر سنجایی رسانیدم. حالا این که ایشان این مسئله را به هیئت اجراییه گزارش داده و آن را مقتضی دانستند یا نه دیگر با خود ایشان بود. صحبت های دکتر سنجایی هم در گزارش رسمی دولت آمده بود و حرف های منزل هم پذیرفته بودند. در گزارش هیئت منتخب دولت اخراج دانش آموزان تحکوم شده بود. طالب و لکتری که آنها در گزارش خود مطرح می کردند عین نظریات ما بود. جموع گروه های تندرو با ایجاد تفریق در جانبته گروه های منزه رو را و آثار به تندروی می گفتند اگر میانه روها بپذیرند و تندروی کنند چون آمادگی تندروی ندارند شکست می خورد و اگر نپذیرند آنها زایه معلولین بر عرصه و سازشکاران صحنه حذف می کنند و در هر دو مورد با شما پیوستگی و آمادگی سعی در تحمیل چنین مردمی و جاهل پس گردن بر مردم می کنند. نباید به مردم آموزش دهیم که احساسات خود را کنترل کنند. همه گروه ها و جناحی که جبهه ملی را به خاطر نام افکار است ۱۳ نفر جنفله می کردند بعد از اول بهمن نیز آن را به خاطر تندروی که چون محکوم کردند مسئله ۱۳ نفر اصلاً از نظر تاریخی فراموش شد و کسی آن را بزرسی نکرد. دوست است که حرکت اول بهمن مربوط به جبهه ملی نبود و یک حرکت مضامین و بیشتر مربوط به دانشگاه بود و آن در حال یک اقدام خیلی تند علیه حکومت بود اگر ۹۴**

از همه گزارش می شد دولتی ها آن را مطلع و وسیع تر می سرکوب می کردند. آنها این مسئله را گفته بودند که این گزارش می کنیم و آمده این کار هم بودند. من در جلد دوم خاطرات خود به ریشه یابی و بیان تفصیلی واقعه اول بهمن ۱۳۲۰ و تمام جنبه های آن پرداخته ام که در آینده منتشر خواهد شد. با مطالعه آن کتاب که قسمت مهمی از تاریخ معاصر ایران است معلوم خواهد شد که اغلب نوشته هایی که مستند آن نشریه در طرح سوالات فوق قرار گرفته با واقعیت ها تطبیق ندارد.

- پی نوشت ها:
۱. تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران، انتشارات طهرانی، ناشر رسد، ص ۱۷۷
 ۲. همان، ص ۱۷۶
 ۳. همان، (مصاحبه با مهندس ...)
 ۴. فردین ۱۳۲۸ ص ۱۲۲
 ۵. ...
 ۶. ...
 ۷. ...
 ۸. ...
 ۹. ...
 ۱۰. ر. که تاریخ سیاسی ۲۵ ساله ایران، ص ۳۲۷
 ۱۱. ...
 ۱۲. همان، ص ۳۳۲
 ۱۳. ر. که تاریخ سیاسی ایران، ص ۲۷

